



گرامر Enough

Enough میتونه همراه با صفت، قید و یا اسم بیاد و حتی می تونه نقش ضمیر به خودش بگیره.

با صفت و قید

- She isn't **tall enough** to be a basketball player.

او به اندازه ی کافی بلند قد نیست تا یک بازیکن بسکتبال شود.

- I'm afraid your work just isn't **good enough**.

من می ترسم که کار تو به اندازه ی کافی خوب نباشه.

- I couldn't write **quickly enough** and I ran out of time.

من نتوانستم با سرعت کافی بنویسم و وقتم تمام شد.

- I haven't been here **often enough** to have really learnt much.

من مدت کافی اینجا نبوده که چیز زیادی یاد گرفته باشم.

به جمله های بالا دقت کن. Enough پس از صفت و قید میاد. جمله ی اول و دوم enough به همراه صفت اومده و در جمله سوم و چهارم به همراه قید.

با اسم

- There isn't **enough bread** to make sandwiches.

نان کافی برای درست کردن ساندویچ نیست.

- Have you got **enough money**?

پول کافی داری؟



با توجه به جمله های بالا همیشه به این نتیجه رسید که **enough** قبل از اسم میاد و اون رو توصیف می کنه.

گاهی **enough** می تونه همزمان با صفت و اسم در جمله بیاد. اما باید در معنی اون دقت کنی: مثال:

- We haven't got **big enough nails**. None of the nails are as big as we need.

ما میخ های **به حد کافی بزرگ** نداریم. هیچکدوم از میخ ها به بزرگی اونی که ما نیاز داریم نیست.

اینجا **enough** به صفت بزرگ بر میگردد. یعنی منظورمون این نیست که میخ کافی نداریم. منظور اینه که میخ کافی داریم اما به اندازه ی کافی بزرگ نیستند.

حالا به این جمله دقت کن:

- We haven't got **enough big nails**. We have some big nails but we need more.

ما **به اندازه ی کافی میخ بزرگ** نداریم. میخ بزرگ داریم اما بیشتر نیاز داریم.

خب اینجا ما میخ بزرگ کافی نداریم. پس **enough** هم به صفت برمیگردد و هم به اسم. به هر دوی اونا مربوطه.

گاهی هم پیش میاد که **enough** تنهایی میاد تو جمله. مثل کجا اینجا:

- That's **enough**.

پایان